**خط فارسی**

**جعفری، یونس**

آقای یونس جعفری از اونیورسیته دلهی نو نامه‏ای نوشته که در ضمن آن بسیاری‏ از کلمات انگلیسی و فرانسه و آلمانی را به عنوان شاهد آورده که به شکل یکسان‏ است و در تلفظ مختلف،و همچنین دو صفحه از کتاب روبنسن کروزه را که فارسی‏ است و بخط لاتین؛که مجال نشد گراور کنیم.

چنانکه اشاره فرموده‏اند نکتهء بسیار دقیق این است که خط و زبان فارسی تنها از آن ساکنان سرزمین ایران نیست،هم زبانان هند و پاکستان و افغانستان و تاجیکستان و دیگر دانشمندان فارسی زبان جهان در آن انبازی دارند،چند نفر دور هم بنشینند و این زبان و خط اصیل قدیم را انگلک بکنند،و بجای فردوسی‏ و سعدی و عطار و خیام و مولوی نیما و پیروان او را بنشانند و تبلیغ کنند،لطمه‏ای‏ است عظیم و به خط و زبان و شعر و فرهنگ فارسی که از خاورمیانه به اقصی نقاط جهان در طی قرن‏ها راه یافته و هنوز هم کم و بیش رواج دارد.

بدین سخن سخنی در نمی‏توان افزود.

استاد محترم و سرور ارجمند جناب آقای حبیب یغمائی

مقالهء جناب مهندس کیوان در مورد تغییر خط و زبان فارسی را خواندم و وقتی که این‏ ساز ناموزون را شنیدم به قلم دست بردم شاید بتوانم به قدمت این زبان کهن اشارتی کرده‏ باشم.بحث و جدال تغییر خط فارسی به لاتین و دلایل متعددی که برای این کار عرضه میشود بحث تازه‏ای نیست چرا که در دو قرن گذشته بارها این بحث در هند مطرح شده است و این‏ بار نیز می‏بینم که در مجلهء وزین یغما به این موضوع اشاره شده است.

استدلال کسانی که میخواهند خط فارسی را به لاتین تغییر دهند چنین است که نوشتن‏ با خط فارسی مشکل است و بهمین سبب هم نویسنده برای نگارش یک مقاله یا یک کتاب باید نکات زیادی را از نظر املای کلمات مراعات کند و جایگزین شدن خط لاتین میتواند این‏ مشکل را برطرف کند.استدلال دیگر اینست که زبان فارسی تابع خط فارسی است و باید برای اندیشیدن نیز از آن تبعیت کرد.نکتهء دیگر اینکه خطی که اکنون در زبان فارسی‏ برای نوشتن مورد استفاده قرار میگیرد چیزی مرکب از خط عربی و فارسی است و به همین‏ دلیل هم باید از صرف و نحو عربی برای درست نوشتن اطلاع کامل داشت.

اما نکته‏ای که از دیدگاه دیگر باید بدان توجه کرد اینست که خط و زبان فارسی چنان‏ باهم عجین شده‏اند که نمی‏توان مرزی میان آنها قائل شد و به همین دلیل هم برای کسانی با ادبیات فارسی و ریشهء کهن آن سروکار دارند زبان فارسی تابع خط نیست بلکه این خط است‏ که تابع زبان است.در مورد ترکیب خط فارسی و عربی نیز باید گفت که این مسئله در مورد ترکیب زبانهای دیگر فارسی و زبانهای غیر فارسی مصداق دارد و چنین است زبان و خط اردو پنجایی کشمیری و غیرهء امروزی در سرزمین هند که اگر چنین استدلالی را بپذیریم‏ باید این خطها را هم به لاتین تبدیل کرد-وقتی کمپانی هند شرقی بر سرزمین هند مسلط شد یکی از کارهائی که استعمار میخواست در این سرزمین انجام بدهد این بود که خط اردو (که خط فارسی است)تغییر دهد و به لاتین تبدیل نماید و من هم‏اکنون در کتابخانهء دهلی‏ کالج نسخه‏ای از داستان ربنسون کروزؤ اثر دانیل دفو را دارم که به زبان فارسی است اما با خط لاتین چاپ شده و اکنون خط فارسی همچنان در هند زنده است و به راه خود میرود.

مسألهء ترکیب خط فارسی و عربی میتواند حل شود چرا که زبان فارسی آنچنان غنی‏ است که میتواند این حروف زائد را از خود دور کند.به شاهنامهء فردوسی نگاه کنید باغنای‏ لغات و مفاهیمش و به بسیاری از آثار دیگر که میتواند ما را در این کار یار و مددکار باشد. نکته اینجاست که خط فارسی تنها متعلق به کسانی که در سرزمین ایران مقیم هستند نیست‏ بلکه این خطی است که در خارج از مرزهای ایران نیز مورد استفاده قرار میگیرد و از آن‏ جمله است خط اردو که همان خط فارسی است.فرض کنیم که مسألهء تغییر خط را هم پذیرفتیم اما با آثار متعدد خود چکار کنیم؟چقدر سرمایه و انرژی مصرف کنیم تا دوباره همهء کتابهائی را که به خط فارسی چاپ یا با دست نوشته شده است با خط لاتین چاپ کنیم؟آیا این کار شدنی‏ است؟به تجربه‏ایکه مردم ترکیه بعد از تغییر خط بدست آورده‏اند نگاه کنید می‏بینید که‏ این کار شدنی نیست و تنها راه اینست که بنشینیم و بیندیشیم راه‏حل تازه‏ای بیابیم راه‏حلی‏ که عملی باشد و تا زمانی که این راه‏حل پیدا نشده است تنها راه اینست که باید با ادبیات‏ کهن ایران آشنائی بیشتری حاصل کرد و نکاتی را که از نظر نگارش مطرح می‏شود مورد تعمق و اندیشه قرار داد تا جایی که ممکن است از حروف عربی دوری جست و باید افزود که‏ خط عربی نیز خود از خط کوفی مشتق شده است و خط کوفی خود از خط پهلوی(دین دبیره) گرفته شده است.حتی در زبان‏های دیگر نیز هرگز خط تابع زبان نیست چنانکه کلمهء گاه‏ برای خود تلفظ خاصی دارد اما در نوشتن از این تلفظ عدول می‏کنیم و آنرا به پیروی از قواعد خاص نوشتن می‏نویسیم چنین است:

Catle(Kat'l)Women

Kettle(Ket'l)Women(Wimin)

Was(Woz)Shut

Wase(Vaz)Sugar(Shoogar)

و حتی در یک زبان حروف همیشه یک تلفظ خاص ندارند مانند حرف (U) که در کلمات زیر تلفظهای مختلف دارد:

Put(Poot)Cut(Kut)

But Nut)

Out Our

و حروف لاتین در زبانهای اروپائی تلفظهای مختلف دارد چون:

گاد\انگلیسی‏\ Cod \پرس(بکسر اول و دوم)\انگلیسی‏\ Paris

خاد گات‏\آلمانی‏\ God \پاری پاخی‏\فرانسه‏\ Parts

جرنل‏\انگلیسی‏\ Journal \کلکشن‏\انگلیسی‏\ Collection

ژورنال‏\فرانسه‏\ Journal \کلکسیون(بنون غنه)\فرانسه‏\ Collection

فاتر\آلمانی‏\ Vater \رائل‏\انگلیسی‏\ Royal

فادر\انگلیسی‏\ Father \رویال‏\فرانسه‏\ Royal

یونگ‏\آلمانی‏\ Oung(Jung)

و از همین گونه است«ز»«ذ»«ظ»«ض»یا«غ»«ق»یا«س»«ث»«ص» و غیره که تنها راه درست بکار بردن آنها آشنائی بیشتر با زبان فارسی است همچنان‏که در زبانهای دیگر و از آنجمله انگلیسی که بدان استناد جستیم.

با تقدیم احترامات فائقه

یونس جعفری

مجله یغما-به مقالهء استاد جمال‏زاده هم در همین شماره دقت فرمائید که ترکیهء عزیز هم در تغییر خط سودی نیافته.

«در»،«درب» «درب»عربی است و بمعنی«در»فارسی نیست

درب برخلاف آنچه تصور می‏کنند عربی است نه فارسی.و آن که‏ امروز آن را«در»فارسی یعنی عربی استعمال می‏کنند ظاهرا صحیح نیست. مؤلف مهذب الاسمأ درب را چنین ترجمه می‏کند:«در بند تنگنا که در کوه‏ بود.»و میدانی نیز(درالسامی فی الاسامی)درب را بمعنای تنگنائی که‏ در کوه بود ترجمه نموده.پیش مسلمین دروب الشام نام معبری است که در دو ولایت اسکندرونهء حالیه شام را به آسیای صغیر مرتبط می‏سازد...

کتاب مقالات اقبال آشتیانی(ص 496)